جزئیات بازداشت چهار پرسپولیسی

افشاگری بهزاد داداش زاده بعد از ۲۷ سال

بخش ورزش- بهزاد داداش زاده در برنامه ملاقات با چهره ها مقابل دوربین سایت طرفداری قرار گرفت. این برنامه فرصت مناسبی بود تا درباره اتفاق سال ۷۲ حرف بزنیم. سال ۱۳۷۲، چهار بازیکن پرسپولیس مدت کوتاهی بازداشت شدند و هفته نامه های ورزشی پر شد از خبرهای ضد و نقیض درباره این ماجرا. بعد از ۲۷ سال بهزاد داداش زاده واقعیت این ماجرا را برای اولین بار در طرفداری فاش می کند.

موارد عجیبی هم در دوران بازی شما وجود داشت که پس از گذشت بیش از دو دهه، مطرح نشدند. اولین محرومیت شما و ۲-۳ بازیکن دیگر پرسپولیس خاطرتان است؟

اولین محرومیت در سال ۷۲ بود. من ارتباط نزدیکی با حمید روزبهانی داشتم و رفت و آمد داشتیم. حتی نهار و شام خانه آن ها می خوردم. در آن زمان علی آقا پولی به ما نمی داد. مثلا ۱۰۰ هزار تومان برای شش ماه می داد. یک شیرینی فروشی در انقلاب بود و با یک کیلو تخمه، دو روز غذا می خوردیم. یا وقتی می گفتند تیم بازی دارد و ساعت ۴ به هتل بروید، من از ساعت ۱۱ به آن جا می رفتم. همه نیز در آن جا پرسپولیسی بودند. می گفتند کیک می خوری و من مرتبا کیک می خوردم. در حال حاضر دیگر از شیرینی جات بدم می آید و اصلا نمی خورم. مثلا گارسون رستوران هتل می آمد که عکس بگیرد و می گفت چه می خوری و من می گفتم فقط کیک را بیاور. سپس می پرسید بقیه چه زمانی می آیند و می گفتم آن ها ساعت ۴ می آیند ولی من زودتر می آیم. خلاصه با حمید روزبهانی رفاقت داشتیم و او نیز به تازگی نامزد کرده بود. پرسپولیس با کشاورز بازی داشت که ۲-۱ بردیم. پس از مسابقه اجازه گرفتم که به شمال بروم. سپس با پسر آقای فاضل صابری که یکی از هواداران پر و پا قرص فوتبال بود، به شمال رفتیم. سپس حمید روزبهانی آمد و گفت کلید خانه را به من بده و می خواهم با نامزدم به میهمانی بروم. خلاصه کلید را گرفتم و من نیز به رشت رفتم و خبری نداشتم. خلاصه یکشنبه به تهران بازگشتم و دیدم حمید در خانه نیست. به سراغ مادرش رفتم و او نیز گفت آنجا نیست. خلاصه سر تمرین آمدم و از یک نفر، شورت ورزشی و از یکی پیراهن و از یکی کفش گرفتم. حتی کتانی که پوشیدم آن پشت قایم می شدم که علی پروین گیر ندهد. روزبهانی، محمود کلهر و مجتبی محرمی هم در تمرین نبودند. همه می دانستند چه اتفاقی افتاده ولی خودم بی خبر بودم. هیچکس نیز نمی دانست آن اتفاق در خانه من رخ داده است.

خلاصه در استادیوم شماره ۳ تمرین کردیم. سپس یک قفل ساز آوردم که در را باز کند و دیدم بله، خانه بسیار به هم ریخته است. خلاصه خانه را تمیز کردیم و ساعت ۸ شب بود که دیدم مجتبی محرمی با دو نفر از نمایندگان وزرا آمدند. ما در آن زمان کلانتری هم نمی رفتیم و سر از وزرا درآوردیم. مرا نیز با خود بردند. حتی هنوز نمی دانستم چه اتفاقی افتاده است. آقای حسینی نامی در آنجا بود و مرتبا می گفت چرا کلید خانه ات را به روزبهانی دادی؟ من نیز می گفتم چرا ندارد، رفیقم است و من نیز بارها خانه آن ها خوابیده ام. تازه آن جا متوجه شدم چه اتفاقی افتاده است. حمید روزبهانی را نیز پیدا نمی کردند. آن جا متوجه شدم حمید روزبهانی در سال ۶۷ مرتکب قتل شده است! وقتی بازداشتگاه رفتیم، فهمیدیم حمید چه شخصیتی دارد. مثل اینکه به عنوان یک باند از یک طلافروشی در پیروزی سرقت کرده اند و حمید نیز نقش داشته است. ما دنبال فوتبال بودیم و آن ها دنبال چه چیزهایی بودند. خلاصه از نگهبان اجازه گرفتم و به علی پروین زنگ زدم. علی آقا کاملا از ریز جزئیات ماجرا خبر داشت و خودش قاضی بود. نمی دانم این را بگویم یا نه. به علی آقا گفتم من اصلا کاری نکرده ام. او گفت: تاپاله، آن موقع که حال می کردی به ما نگفتی، الان که گرفتار شدی، به ما می گویی! گفتم که علی آقا من اصلا کاره ای نبودم و نمی دانم داستان چیست. پایان تماس مان به ۵ دقیقه نرسید که دیدم علی آقا با یک بنز وارد دادسرا شد. خلاصه با قاضی پرونده را خواندند. ۴ نفرمان جلوی او ایستاده بودیم. علی آقا به ۲ نفر گفت تو و تو، (غیرقابل پخش) و شما دوتا نیز فردا سر تمرین. به او گفتم علی آقا چرا؟ گفت خفه شو، وقتی حال می کردی، یاد ما نبودی.

پس در نهایت چه شد؟

مجتبی محرمی و محمود کلهر محروم می شوند و من و حمید روزبهانی می توانستیم برویم. اولین بازی مان پس از این اتفاقات، با برق بود. به یکباره می دیدیم استقلالی ها در استادیوم شعار می دهند: دختر صحرا، نیلوفر... من با خود می گفتم نیلوفر چه کسی است؟ نگو رفیق (غیرقابل پخش) بوده است. حالا نگویید زن و بچه دارد و فردا شر نشود بگوید ما گفتیم. تازه آن جا متوجه شدم بچه ها با ۲ دختر در خانه بوده اند. این پرونده تا ۲-۳- سال ادامه داشت. بعد در دادسرا آن دخترها را می دیدم و می گفتم این ها چه کسانی هستند؟ می گفتند این ها رفیق (غیرقابل پخش) هستند. به بچه ها گفتم خاک بر سرتان. آرنج مرا می بینید؟ آرنج من از آن دو دختر خوشگل تر بود. نمی دانم روی چه حساب این ها را پیدا کرده بودند. البته آن آرمیتا که با (غیرقابل پخش) دوست بود، پلیس اینترپل نیز دنبالش بود زیرا ۲-۳ شیخ عرب را تیغ زده بود. حال فردا نگویید چرا این ها را پخش کرده اند. هرکس سوالی دارد از خودم بپرسد. واقعا من هیچ کاره بودم و شاید چوب رفاقتم را خوردم. من با علی پروین کار کرده ام که می گفت مرد باشید و صداقت داشته باشید زیرا هیچ چیز بهتر از صداقت نیست. حرفتان را بزنید. کسی شما را اعدام نمی کند. متاسفانه این رفیق های ما بند پ یعنی پاچه خواری را یاد گرفتند. الان که این مسئله بیداد می کند.

پ ن: منظور بهزاد داداش زاده از ماجرای قتل این بود؛ پای حمید روزبهانی به پرونده یک سرقت از طلافروشی که منجر به قتل شد باز شده بود اما در طول تحقیقات ثابت شد حمید روزبهانی نقشی در سرقت و قتل نداشت.

سقوط سپیدرود و هزار وعده محقق نشده

بخش ورزش- چهار سال بعد از آن که سپیدرود در حضور هزاران هوادار رشتی با پیروزی یک بر صفر مقابل بادران به پیروزی رسید و به لیگ دسته یک صعود کرد حالا غریبانه مقابل همان بادران یک بر صفر شکست خورد و به لیگ دو برگشت. گیل خبر در این خصوص نوشت : دیگر نه خبری از پخش زنده تلویزیونی بود، نه هواداری و نه مسئولی که چهار سال قبل برای هوادار دست تکان می داد و خودنمائی می کرد. سه سال پیش هم یادمان نرفته که بعد از صعود به لیگ برتر سپیدرود چه غلغله ای در ورزشگاه حاکم بود. استاندار وقت همراه با فرماندار و رئیس هیات فوتبال و نماینده در ورزشگاه دور افتخار می زدند و خود را عامل موفقیت باشگاه می دانستند!

اما حالا خوب است بدانیم که تیم را به ده ها نفر سپردند که هیچ کدامشان از عهده یک باشگاه دسته چندمی نیز بر نمی آمدند. سپیدرود نساجی را برد و صعود کرد و حالا خوب است همان نساجی را ببینیم که به کجا رسیده است و سپیدرود کجا است. همان محمد میری که علی نظرمحمدی در عرض چند هفته از تیم اخراج کرد حالا ستاره تیم نساجی است و هر هفته با سوپرگلی همه را متحیر می کند. همان علی نظرمحمدی که تیم را به لیگ برتر آورد در عرض چند هفته به پایان مسابقات سرمربی رایکای بابلی شد که رقیب سرخپوشان رشتی برای عدم سقوط بود.

دیگر وقتی هیچ کس سپیدرود را دوست نداشته باشد همه عوامل سابق باشگاه دست در بقیه تیم ها دادند که راحت تر ناکامی سپیدرود را ببینیم.

چگونه می توان متصور بود تیمی در لیگ دو هزاران هوادار را به ورزشگاه بکشاند، ولی هیچ کس نتواند از این پتانسیل استفاده کند. چگونه می توان باور کرد هرکس سپیدرود را خواست برای تبلیغات و انتخابات و هیاهو بود و دیگر هیچ!

چگونه می توان باور کرد هزار وعده حضرات از ساخت کمپ تمرینی، هتل، آب معدنی و ... از سوی همه مدیران باشگاه وعده های تاریخ مصرف چند هفته ای بود و و حتی در حد یک کاغذ هم دنبال نشد.

سپیدرود بازهم به جائی سقوط کرد که سالها در آن دست و پا می زد. دست و پا زدنهایی که هیچ کس جز آن چند صد هواداری نمی داند که در هر شرایطی خود را به ورزشگاه می کشاندند تا با آن زندگی کنند.

عجبا در این چهار سال از آن هواداران قدیمی چند نفری نیز از میان ما رخت بسته اند و جایشان را عده ای جوان سال گرفته اند که با چهار فحش و شعار و یک پسوند برای اسمشان، خودشان را قیم این تیم می دانند. این که سپیدرود دوباره هیاهوی چند سال قبل را تکرار می کند یا خیر نامشخص است. ولی با این وضعیت که این تیم از درون شهر خودش ضربه می خورد چرا باید دوباره برگردد و سرابی دیگر برای این شهر بسازد؟ مثل سراوان، رودخانه های زرجوب و گوهررود و تالاب عینک، سپیدرود هم روزهای خوش نخواهد دید. تا وقتی عده ای در این شهر تنها دنبال منافع و تبلیغات خودشان باشند چطور می توانیم انتظار داشته باشیم که آب خوش از گلوی ما بالا برود.

۲۰ میلیارد؛ ضرر پرسپولیس از قهرمانی

بخش ورزش- پرسپولیس به عنوان فاتح مسابقات لیگ نوزدهم فوتبال ایران، جمعه‌شب جشن قهرمانی‌اش را برگزار کرد و بازیکنان این تیم جام را بالای سر بردند. با کمال تاسف باید گفت در ایران سهم باشگاهی که یک سال زحمت می‌کشد و با رنج و هزینه فراوان خودش را به قله می‌رساند، فقط همین جام فلزی است و به جز آن، هیچ امتیاز ویژه‌ای نصیب تیم قهرمان نخواهد شد. حتی سهمیه صعود به لیگ قهرمانان هم منحصر به تیم اول جدول نیست، چرا که تیم قهرمان جام حذفی نیز می‌تواند به طور مستقیم در مرحله گروهی این رقابت‌ها حاضر شود و البته تیم‌های دوم و سوم لیگ نیز از مسیر پلی‌آف چنین بختی خواهند داشت. یکی از مهم‌ترین مسایلی که باید بین تیم اول جدول لیگ و سایر رقبا تفاوت ایجاد کند، بحث پاداش نقدی است؛ یک امر بسیار رایج در جهان فوتبال که در ایران از اساس غایب است! تا کنون هیچگاه در لیگ ایران رسم نبوده که به تیم قهرمان پاداش بدهند. این مساله مسلما از ساختار معیوب اقتصادی این رشته ورزشی در کشورمان نشأت می‌گیرد. بنابراین تنها انگیزه تیم‌ها برای قهرمانی، داستان «ثبت در تاریخ» است.

همین و دیگر هیچ!

مسلم است که همه جای دنیا پاداش‌های چشمگیر به تیم‌های قهران داده می‌شود و اصلا همین مساله انگیزه رقابت را افزایش می‌دهد. امسال جایزه قهرمانی یوونتوس در لیگ ایتالیا در کنار سهم این تیم از حق پخش تلویزیونی مجموعا حدود ۱۰۰ میلیون یورو تخمین زده شد. در اسپانیا رئال مادرید فقط بابت قهرمانی در لالیگا و بدون در نظر گرفتن سایر عواید، ۶۸ میلیون یورو به جیب زد. در لیگ برتر انگلستان هم جایزه تیم قهرمان حدود ۴۰ میلیون پوند است، اما چون در این کشور بخشی از حق پخش تلویزیونی هم بر اساس رتبه تیم‌ها در جدول تقسیم می‌شود، مداخل لیورپول به عنوان قهرمان این فصل رقابت‌های لیگ جزیره بیش از ۱۵۰ میلیون پوند تخمین زده می‌شود. صد البته وضعیت ما با اروپا قابل مقایسه نیست، اما اگر بدانید در آسیا هم مثلا ژاپنی‌ها به تیم‌های اول و دوم جی‌لیگ به ترتیب حدود ۱۴ و ۷میلیون دلار می‌پردازند و در عربستان هم پاداش تیم قهرمان حدود یک‌ونیم میلیون دلار است، وضعیت فرق خواهد کرد. مساله پاداش‌های منظم و چشمگیر در مسابقات بین‌المللی هم کاملا رایج است؛ به طوری که در لیگ قهرمانان اروپا به صورت پله به پله شاهد پرداخت پاداش‌هایی از کف ۲۰۰ هزار یورو برای حضور در مرحله گروهی تا ۱۶ میلیون یورو برای کسب عنوان قهرمانی هستیم. در آسیا هم پاداش تیم فاتح لیگ قهرمانان، غیر از پاداش‌های جداگانه مراحل قبلی، چهار میلیون دلار است.

در این شرایط تنها نتیجه اقتصادی قهرمانی در لیگ برای تیمی که فاتح جام می‌شود، زیان مضاعف مالی است. این مساله دلیل کاملا مشخصی دارد؛ در قرارداد بازیکنان قید شده آنها در صورت کسب قهرمانی باید پاداش مضاعف بگیرند و باشگاه در این زمینه متعهد است. بازیکن هم کاری ندارد که فوتبال در ایران سودآور است یا زیانبار. او پولش را می‌خواهد و بالاخره هم می‌گیرد. گفته می‌شود مجموع آپشن‌های موجود در قرارداد امسال بازیکنان و مربیان پرسپولیس برای قهرمانی، حدود ۲۰ میلیارد تومان است. این یعنی جامی که جلال حسینی شامگاه آدینه بالای سر برد، بدون یک ریال سود، حدود ۲۰ میلیارد تومان ضرر روی دست باشگاه پرسپولیس گذاشته است!

چرا فدراسیون فوتبال در وضعیت بحرانی است؟

بخش ورزش- نزدیک به یک ماه از ارسال اساسنامه اصلاح شده فدراسیون به فیفا می‌گذرد اما فدراسیون جهانی فوتبال تا به حال هیچ واکنشی نسبت به آن نداشته است. موضوعی که سابقه نداشته و اکثرا تا ظرف ۱۰ روز فیفا اصلاحات را تایید یا رد می‌کرد. اما حالا فدراسیون توسط نهاد بالا دستی خود به نوعی بایکوت شده و تکلیفش را در این خصوص نمی‌داند. ماجرایی که شاید به تعلیق ختم شود.

البته باید گفت که این تعلیق احتمالی خطری برای فوتبال ندارد و تیم ملی و باشگاه‌ها می‌توانند در مسابقات بین المللی شرکت کنند و تنها هیئت رییسه تعلیق و کمیته انتقالی متشکل از افراد مورد تایید فیفا و وزارت ورزش ایران تشکیل می‌شود. البته کماکان باید منتظر ماند و دید سکوت فیفا چه زمانی شکسته می‌شود.اما اساسنامه تنها مسئله بزرگ فدراسیون فوتبال نیست؛به فهرستی از سایر مشکلات توجه کنید:

وضعیت اسفناک مالی

بلوکه شدن پول‌های ایران نزد فیفا و عدم درآمدزایی با توجه به اوضاع کرونا باعث شده وضعیت مالی فدراسیون فوتبال اسفناک و افتضاح باشد. مدیران فدراسیون حتی در پرداخت حقوق کارمندان نهاد خود نیز با مشکل مواجه هستند. در این بین هزینه‌های تشکیل اردو از جوانان تا بزرگسالان سرسام آور است و بزرگترین معضل را برای سرپرست و دبیرکل به وجود آورده که ممکن است تبعات سختی داشته باشد.البته صحبتهایی برای پایان تحریمها منتشر شده که فدراسیون گوش بزنگ آن است.

مشکلات متعدد تیم ملی بزرگسالان

همه از تمایل بالای اسکوچیچ برای استخدام هر چه زودتر کریم باقری خبر دارند. اما مسئولان فدراسیون تا به الان با وی به توافق نرسیده‌اند و همین موضوع تبدیل به چالش شده است.از طرف دیگر کمیته‌های تیم‌های ملی چند ماهی است رییس ندارد و هم‌چنین سرپرستی برای تیم ملی تا به الان انتخاب نشده است. موضوعی که مشکلاتی را سرمربی کروات تیم ملی به وجود آورده و ناهماهنگی‌های موجود باعث ایجاد دلخوری شده است.تیم ملی حالا برای موفقیت در چهار بازی پیش رو بیشتر از هر زمانی احتیاج به حمایت دارد و کمبودهای موجود ممکن است لطمه وارد کند.

آل اشپورت فسخ کرد و تکلیف البسه هم مشخص نیست

به دلیل مشکلات به وجود آمده بعد از شیوع ویروس کرونا شرکت آل اشپورت به دلیل عدم توانایی تامین البسه تیم ملی قرارداد خود با فدراسیون فوتبال را فسخ کرد. در حال حاضر هیچ یک از شرکت‌های داخلی و خارجی با فدراسیون فوتبال برای تامین البسه به توافق نرسیده‌اند. این درحالی است که فدراسیون اواسط شهریور برای بازی با ازبکستان به این کشور سفر می‌کند و تیم‌های پایه نیز اردوهای خود را شروع کرده‌اند و ممکن است مشکلاتی از این لحاظ به وجود آید.

بلاتکلیفی در تیم‌های پایه موج می‌زند

نزدیک به سه هفته از انتخاب پرویز مظلومی به عنوان سرمربی تیم جوانان می‌گذرد و حتی اردوی تدارکاتی تشکیل شده و این تیم بازی تدارکاتی پشت سر گذاشته است؛ اما هنوز تکلیف دستیار اول سرمربی مشخص نیست.از طرف دیگر تیم امید نیز کادر فنی مشخصی ندارد و آنطور که معلوم است، این تیم در اولویت فدراسیون قرار ندارد و باز هم باید در انتظار ناکامی دیگر باشیم. همه این عوامل دست به دست هم داده و فدراسیون را در حالت بحران و قرمز قرار داده است و باید دید در نهایت مدیران بلند مرتبه این نهاد چه تصمیماتی برای حل مشکلات موجود اتخاذ می‌کنند.

خبر

برای هر یک دلار این پول زحمت کشیدیم

برانکو: شرمی از انتشار قراردادم ندارم

بخش ورزش- برانکو این روزها از یک سو منتظر دریافت مطالبات خود از پرسپولیس است و از سوی دیگر امیدوار است باشگاه سابقش از سوی فیفا مجازات نشود.

تقریبا در هر یک از قهرمانی های مربوط به پوکر پرسپولیس، هواداران این تیم درگیر استرس یک موضوع دیگر بوده اند. فصل گذشته درست در روزهایی که پرسپولیس سومین قهرمانی پیاپی خود در لیگ را در شهر جم جشن گرفته بود، هواداران این تیم نگران این بودند که برانکو ایوانکوویچ از پرسپولیس جدا نشود؛ چیزی که هر روز از سوی سرپرست یا یکی از اعضای هیات مدیره پرسپولیس تکذیب می شد اما پس از قهرمانی جام حذفی عملا رخ داد. حالا یک سال از آن روزها گذشته و در جشن چهارمین قهرمانی متوالی پرسپولیس، افشین پیروانی مدیر تیم در گفت و گو با شبکه سه اعلام کرد که «قرار نیست پنجره نقل و انتقالات ما بسته شود»، با این حال همچنان پرسپولیسی ها نگران هستند و حتی یحیی گل محمدی هم چندبار نگرانی خود را از حکم جریمه احتمالی فیفا ابراز کرده است. درست در همین روزها منتشر شدن بندهای آخرین قرارداد برانکو با پرسپولیس از سوی CAS نیز خبرساز شده و واکنش های متفاوتی را در پی داشته است.

تخفیف و همکاری مالی با پرسپولیس

برانکو ایوانکوویچ که اصلا فکر نمی کرد پس از موفقیت های بزرگ و مداوم با پرسپولیس، تا امروز درگیر حواشی دریافت طلبش از این باشگاه باشد، در گفت و گو با ورزش سه به برخی از این حواشی پاسخ داده: «اولا من باید قهرمانی پرسپولیس را یک بار دیگر به کادرفنی این تیم و بازیکنان تبریک بگویم. کسب عنوان قهرمانی با این اختلاف امتیاز، نشان می دهد که آنها سزاوار این عنوان بودند. یک سال از جدایی من و دستیارانم از پرسپولیس می گذرد و درحالی که نتایج گرفته شده از سوی ما کاملا راضی کننده بود، این همه حاشیه در مسیر پرداخت مطالبات کادرفنی، برای ما و هواداران ازاردهنده شده است». برانکو درباره انتشار بندهای قرارداد آخر خود با پرسپولیس می گوید: «هرچند مربیان از انتشار قرارداد خود خوشحال نمی شوند، اما من هیچ شرمی از انتشار این قرارداد و صحبت درباره آن ندارم، چون حالا می توانم نکات ویژه ای را در ارتباط با آن روشن کنم. اول اینکه من وقتی شاهد بودم باشگاه پرسپولیس روز به روز درگیر مشکلات اقتصادی و تامین منابع مالی است، پایه قرارداد خودم را در طول چهار فصل افزایش ندادم. درواقع مبلغ اولین قراردادم ۸۰۰ هزار دلار برای هر فصل بود و آخرین قراردادم هم که روز بازی با الجزیره امضا کردم، ۸۰۰ هزار یورو بستم. تصمیم این بود که قراردادها از دلار به یورو تبدیل شود. این وسط فقط تفاوت ارزش یورو و دلار بود که در آن زمان فقط ۱۰ درصد بود. یعنی ۸۰۰ هزار یورو، معادل ۸۸۰ هزار دلار می شد. در طول این چهار سال، من تلاش کردم فصل به فصل مبلغی به قرارداد دستیارانم اضافه شود اما در مورد خودم، نه اصراری به این کار داشتم و نه باشگاه پیشنهاد خودش را بالا می برد. فقط دقت کنید که اگر فصل به فصل ۱۰ درصد روی پایه قرارداد خودم می گذاشتم که اتفاقا مدیران باشگاه هم با آن مخالفت نمی کردند، در فصل آخر قرارداد من با آنچه دیده اید، چقدر متفاوت می شد. در قرارداد با سرمربی، مطلوب ترین حالت برای باشگاه این است که پرداخت های اصلی منوط شود به موفقیت های تیم. درواقع دارم درباره همان آپشن ها حرف می زنم. این حالت ایده ال برای باشگاه پرسپولیس، در قرارداد با من شکل گرفته بود و این نشان می دهد که من سعی داشتم بهترین حالت همکاری را برای مدیری که با او کار می کردم، رقم بزنم».

آپشن های قرارداد

موضوع دیگری که پس از انتشار قرارداد برانکو مطرح شده، آپشن های قرارداد اوست: «رقم پایه قرارداد همانطور که گفتم ثابت بود اما آپشن ها درصورتی فعال می شود که شما موفقیت ایجاد کنید. مثلا موفقیت ما در راهیابی به فینال لیگ قهرمانان، چند میلیون دلار برای پرسپولیس درآمدزایی کرد و در این میان، چند صد هزاردلار هم پاداش من بود. همینطور قهرمانی ها و عناوین دیگر. درواقع در دوره چندساله حضور ما، برند و اعتبار پرسپولیس تقویت شد و چند برابر پولی که پرسپولیس باید به کادرفنی پرداخت می کرد را چه با پاداش های مستقیم AFC و چه با قوی شدن برند و فرصت بستن قراردادهای بهتر تجاری تامین کرد. همین معادله ساده باعث می شود که من به راحتی و بدون شرم درباره قرارداد خودم حرف بزنم. درواقع من و دستیارانم برای سنت به سنت مبلغی که در قراردادمان قید شده بود، زحمت کشیدیم و ایجاد اعتبار و افتخار برای باشگاه کردیم. بنابراین سزاوار دریافت دستمزد خود بودیم و فکر نمی کردیم کار به اینجا برسد که هوادارانی که بیش از چهار سال کنار ما بودند، اینطور سر پرونده ما دچار رنج و استرس شوند. این موقعیتی نیست که من از آن لذت ببرم. من ترجیح می دادم باشگاه پرسپولیس زودتر این موضوع را حل کند تا این روزها اسم برانکو که می آید، همه هواداران پرسپولیس آن همه خاطرات خوش را مرور کنند، نه پرونده مالی و پرداخت حقوق و احتمال جریمه از سوی فیفا. درمجموع امیدوارم پرسپولیس از سوی فیفا جریمه نشود و این تیم فصل بعد هم با قدرت در لیگ برتر و مسابقات آسیایی شرکت کند».

«پیرلو» کونته را پیر کرد

بخش ورزش - «آنتونیو کونته» اعتراف کرد که دیدن «آندرآ پیرلو» به عنوان سرمربی روی نیمکت یوونتوس، به وی احساس پیر شدن می‌دهد. پیرلو در دوران حضور در یووه بازیکن کلیدی تیم تحت هدایت کونته بود که زنجیره ۹ قهرمانی متوالی بانوی پیر در سری آ ایتالیا را کلید زد و روی نیمکت این تیم سه بار پیاپی در فصول ۲۰۱۱-۲۰۱۲، ۲۰۱۲-۲۰۱۳ و ۲۰۱۳ — ۲۰۱۴ فاتح اسکودتو شد.

آنها در ادامه و زمانی که کونته دو سال هدایت لاجوردی پوشان ایتالیا را برعهده داشت، با یکدیگر کار کردند و به اعتقاد سرمربی باشگاه اینترمیلان عجیب است که حالا وی با شاگرد اسبق خود رقیب شود.

کونته در این باره گفت: بی‌شک برای آندرآ خیلی خوشحال هستم؛ او فرد خاصی است و برای او احترام زیادی قائلم. قبل از این هم گفته‌ام، اینکه ببینم بازیکنان اسبقم حالا سرمربی شده‌اند، باعث می‌شود احساس پیری کنم. بدنبال حذف یووه از لیگ قهرمانان به دست لیون و اخراج «مائوریتسیو ساری»، «آندره آ انیلی» رییس باشگاه پس از ناتوانی از به خدمت گرفتن گزینه‌های اولیه خود یعنی «مائوریتسیو پوچتینو» و «زین الدین زیدان»، پیرلو را به عنوان سرمربی انتخاب کرد.

براساس گزارش‌ها پوچتینو سالانه دستمزدی حدود ۹ میلیون یورویی درخواست کرده بود و زیدان نیز در صورت پذیرش پیشنهاد هدایت یووه مبلغ بیشتری حوالی ۱۲ میلیون یورو درخواست می‌کرد.